

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده: محمود شاداب
۳۰ جون ۲۰۱۸

[خوابم نمی برد]

امشب چه باعث است که خوابم نمی برد
مانند سایه بسکه زمینگیر گشته ام
عمرم به سر رسید جوان بازیم بجاست
داند چو یار شاد بگردم ز خواندنش
بی تردیدم فسرده بس همچو زاهدان
دلدار داشت عزم سفر من به بستر
پیغام یار قاصدی آورد سوی من
بی سیرتی اگرچه به عالم رواج یافت
هرچند یار عشقوری مرزا پسر بود
دریا شدست دیده و آبم نمی برد
از این جهان اجل به شتابم نمی برد
پیری ز سر هوای شبایم نمی برد
یک بیت را ز بین کتابم نمی برد
از خویش ساز چنگ و ربابم نمی برد
همراه خود به حال خرابم نمی برد
جان می دهم به مزد جوابم نمی برد
با عفتم زمانه حجابم نمی برد
سنگش اگر کند به حسابم نمی برد